



واکنش تاریخ سینمای پس از اشکبار

حکایت سینما توگراف ۲

سینمای دهه ۷۰

نشر و تفکر دوران به اصطلاح سازندگی

به دوران سینما

- سعید مستغنی**
- پخش سی و پنجم**

از ابتدای دهه ۷۰ و تقریباً مقارن برکناری محمد خاتمی از پست وزارت ارشاد با توجه به سیاست‌های اعلام شده دوران به اصطلاح سازندگی و قطع تدریجی کمک‌های دولتی از تولیدات داخلی، نوعی خودکفایی اجباری شامل حال سینما هم شد، خودکفایی که معنایش در سینما، در واقع پرهیز از ساخت فیلم‌های فرهنگی و به اصطلاح کم‌فروش بود و جهت‌گیری به سمت تولید فیلم‌هایی که لافال

در گیشه بتواند بخشی از هزینه ساخت خود را جبران نماید. از همین رو فیلمسازان به سمت عناصر به اصطلاح گیشه پسند مانند ستاره و قهرمان و قصه و حادثه و تعلق و زد و خورد و تعقیب و گریز و… رفتند. ظاهراً قرار بود که به تدریج سینما و تولیداتش در اختیار بخش خصوصی قرار داده شده و کم‌کم رنگ تجارت و صنعت بگیرد. البته در حالی که همچنان نظارت‌های متعدد دولتی در مراحل مختلف پابرجا و همچنان منبع امکانات و اِبراز هم دولت بود. فقط با نشد به‌جای حمایت مستقیم دولتی، مؤسسات خصوصی برای ساخت فیلم از بانک‌ها وام بگیرند. وام‌هایی که بازپرداخت آنها بعضاً نموده می‌شد و بعضاً هم دولت آنها را بازپرداخت می‌کرد. این سمت و سو گیری گیشه‌ای تولیدات سینما، از طرفی نتایج مثبتی هم در برداشت، فی‌المثل در کنار سینمای درونگرا و جمع محور و بدون قصه کلاسیک آثاری مانند «بده بان» (ابراهیم حاتمی کیا) و «چشم شیشه‌ای» (حسین قاسمی جاجی) و «تویی که نمی‌شناختمت» (محمد ابراهیم سلطانی فر) که البته همچنان تولیداتش در سال‌های بعد هم در سطحی محدود ادامه داشت) نوعی از سینمای دفاع مقدس به میدان آمد که برخلاف روز اول، پررونق بود و فرمدوز بود و با قصه کلاسیک یعنی قهرمان داشت، آن هم قهرمانی که یک تکه همه را حریف بود مثل فیلم «سجاده آتش» (احمد مراد پور) و با قصه پرفراز و نشیب و حادثه محور و سرشار از لحظات تعقیب و گریز و زد خورد، سعی در جذب تماشاگر عادی سینما و پر و پیمان کردن گیشه داشت مانند فیلم‌های «حماسه سینمای ایران» (جمال شورجه) و «آخرین شب‌ناسایی» (علی شاه حاتمی).

سینمای قهرمان‌محور و خودکنا

به دنبال آنها فیلم‌هایی مانند «حمله به آچ» (شهریار بحرانی)، «دایره سرخ» (جمال شورجه)، «نجر» (احمد مراد پور)، سرزمین خورشید (احمد رضا درویش) و… ساخته شدند. تفاوت این فیلم‌ها با آثاری همچون «فغی» (محمدرضا اعلامی) یا «پایگاه چمنی» (اکبر صادقی) و یا «پلاک» (ابراهیم قاضی زاده)، در این بود که برخلاف آن فیلم‌های صرفاً حادثه‌آید، این آثار جدید مانند فیلم‌های سینمای دفاع مقدس در دوران نخست سینمای پس از انقلاب، به نوعی روحيات و درونیات و شخصیت‌های رزمندگان و در یک کلام جبهه‌های دفاع مقدس را هم در کنار قهرمان‌پرزادی‌ها و خلق حادثه به تصویر می‌کشیدند. آنچه که فیلم‌هایی مانند «فغی» و «پایگاه چمنی» فاقد بودند. در واقع آن فیلم‌ها، صرفاً آثار جنگی محسوب می‌شوند ولی در فیلم‌هایی همچون «سجاده آتش» و «حمله به آچ» نشانه‌های دفاع مقدس و عناصر آن بازرز بود.

آغاز این دوره (به جز زمان کوتاه تصدی علی لاریجانی بر وزارت ارشاد که وزارت در بحث ما قرار نمی‌گیرد) با چندان متوسطی هم‌پسیرلیب و معاونت سینمایی عزت‌الله ضرغامی مصادف گردید که حدود ۵ سال به طول انجامید و در عین بها دادن تدریجی به فعالیت بخش خصوصی، هر سال قوانین و ضوابط شدداد و غلاظ برای

تولید فیلم‌ها در مجموعه‌ای مکتوب تحت عنوان «دفترچه سینمایی سال» درج می‌گردید تا جایی که حتی برای نوع یلان فیلم نیز محدودیت قرار داده شد.

اگرچه اف محسوس مخاطب نسبت به دوره نخست بارز به نظر می‌رسید و شیب منحنی استقبال مخاطب سینمای ایران آغاز شده بود اما بعضی کارشناسان این افت مخاطب را نسبت به ۲–۳ سال پایانی دوره اول دانسته‌اند که بازتاب آتمام جنگ هشت ساله و ایجاد فضای پس از آن، عوامل مهم هجوم مردم به سوی سرگرمی و سینما به شمار می‌آیند.

زیورگرد سینما در دولت مدعی اصلاحات

سینمای ایران در شرایطی گام به سال‌های نیمه دهه ۷۰ گذارَد که پس از ورشکستگی کامل در سال ۱۳۵۶ (یعنی یک سال و نیم پیش از پیروزی انقلاب اسلامی) و سپس گذار از دوران معروف به سینمای هدایتی(حمایتی یا گلخانه‌ای دهه ۶۰، به تحمل تبعات سیاستی موسوم به توسعه اقتصادی رسید که پس از پایان جنگ، در همه ایاد کشور رواج پیدا کرد و از اوایل دهه ۷۰ گریبان سینما را هم گرفت. سینمای ایران پس از آن، در ۷۰ حدود ۲ سال(سال‌های ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۰ و سپس تا ۱۳۸۴) در معرض تبعات سیاست به اصطلاح توسعه سیاسی دولت مدعی اصلاحات واقع گردید. سیاستی که در واقع بیش از توسعه سیاسی، استحاله آرمان‌ها و باورهای انقلابی و اسلامی را نشانه رفته بود. در این دوره، شعار سیاست خصوصی‌سازی سینمای ایران، کم‌رنگ شدن نظارت‌های دولتی و در مقابل، حاکمیت نهادهای مدعی مانند خانه سینما بر روند تولید و نمایش، روند شتابداری به خود گرفت و برای اولین بار در سال‌های پس از انقلاب، مؤسسات به اصطلاح خصوصی سینما با متشکل شدن در گروهی تحت عنوان «تحدیدیه تهیه‌کنندگان و توزیع فیلم ایران»، سرخ تولید و نمایش را در دستمای این مملکت به دست گرفتند.

در این دوران حذف درجه‌بندی کیفی فیلم‌ها، لغو شرط حضور در جشنواره فیلم فجر برای اکران عمومی، از میان برداشتن تصویب فیلمنامه، واگذاری کمیسیون اکران و تنظیم نمایش و همچنین برخی تصمیم‌گیری‌ها در عرصه تولید به انجمن‌های صنفی، همه و همه ظاهراً موجب خلق فضایی تازه‌ای برای استقلال سینمای ایران از دولت گردید.

اما متأسفانه این فضای جدید برخلاف قهای تروسیم شده، سینمای ایران را در سراسییبی باورنکردنی سقوط نمودار مخاطب و کیفیت قرار داد و آن را به محضتری تبدیل ساخت که تا سال ۱۳۸۴ (یعنی اواخر دولت مدعی اصلاحات) اساساً آمیدی به بهبودش نمی‌رفت.

سطوف در سال‌های خصوصی شدن

می‌توان براساس آمار و اسناد ادعا کرد که از سال ۱۳۷۶ به بعد و همراه به اصطلاح بازشدن جو فرهنگی هنری جامعه و شکسته شدن بسیاری از خطوط قرمز سال‌های قبل، به جای شوک‌فا شدن سینما خصوصاً در حیطه سوزده‌ها و مسائل مختلف، سینمای ایران دچار پسرتنی شد که به اعتقاد بسیاری از کارشناسان و منتقدان، پدیده مبتذل و مذموم «فيلمقاسمی» را به طور رسمی به عرصه آن بازگرداند. از همین سال به بعد است که فیلم‌های معروف به «دخترآپسری» برده سینماهای ایران را اشغال نمود و تکرار فاجعه بار آن، تماشاگر را از سال‌های سینماگریزان ساخت.

اینکه کرامت خانواده را بوسیله جنگ و جدال‌های دربرین رقابت عشقی یا روابط نامشروع تحت عنوان فریبنده «آزادی» همراه انواع و اقسام بی‌بند و باری و با عشق‌های مثلی و ضربدردی و مرعی و دوزنقه‌ای زیر علامت سؤال بردند، اینکه بنیان خانواده را اغلب به دلیل عشق‌های به اصطلاح فرافلاطونی و با سوء ظن و شک‌های غیرمقول، لرزان و متزلزل نشان دادند، اینکه هرگونه تعهدات اخلاقی را در روابط اجتماعی کام لبر یکن اعلام کردند و اینکه…

ولی خوشبختانه تماشاگر آگاه سینما، با عدم استقبال از این گونه آثار، مخالفت و اعتراض را اعلام کرد و آنکه ضرر دید، به واقع سینمای ایران پرود و سینمادارانش که کم‌کم سال‌هایشان خالی از تماشاگر گشت و با بحرانی عمیق مواجه شدند. طرفه آنکه سازنده این نوع فیلم‌ها، بعضاً از میان فیلمسازان متعدد و فرهنگی بیرون آمدند و فیلم‌هایی ساختند که حتی برخی نام‌هایشان نیز با مشابه‌های پیش از انقلاب تفاوتی نداشت مثل «شفاهای هرز» (قدرت الله صلح میرزایی)، «مهربارانی» (ابوالحسن دادوی)، «عشق + ۲» (رضا کریمی)، «سپاوش» (سامان مقدم)، «تیک» (اسماعیل فلاح پور)، «شام آخر» (فریدون جیرانی)، «تگین» (افضر هاشمی)، «خانانه روی آبل» (بهمن فرمان آرا)، «دنیا» (کاتلظ راست گفتار)، «واکنش پنجم» (تیمینه میلانی)، «خاکستری» (مهرداد میر فلاح)، «زنجان زنان» (منیره حکمت)، «همکلاس» (سعید خورشیدیان)، «آب و آتش» (فریدون جیرانی)، «مارال» (مهدی صباغ زاده) و… از جمله آثاری بودند که به سبک و سیاق آنچه گفته شد، در این‌گریز تماشاگر از سال‌های سینما از اواسط دهه ۷۰ تا اواسط دهه ۸۰ سهم عمدی‌ای داشتند. در واقع در سال‌های ۷۶ تا ۸۳ به سینمای ایران به پایین‌ترین میزان جذب مخاطب در طول تاریخ خود رسید، تعداد روزی از این‌گونه آثار با عناوین و شکل‌های فریبنده بر برده سال‌های سینما روّیت شدند که در نهایت ابتذال، به تحقیر خانواده و زن و جوان ایرانی می‌پرداختند.



همراهی بلاگرهای جهانی با ایران

این جنبش دانشجویی با توجه به ماهیت موجودی خود انحصار به دانشگاه‌های آمریکایی ندارد و جالب این است که تسری بسیار تند و تاثیرگذار نیز بر روی دانشگاه‌های اروپا نیز داشته و دانشگاه‌های مختلف شده‌اند و خشم اعتراض دانشجویها نسبت به ریاکاری رسانه‌ای جهان غرب و جنایات رژیم صهیونیستی تکبته‌ک دانشگاهها را در می‌نوردد و به سرانجر جهان رسیده است.

پاره‌ها از جریان‌های مخرب و منفی موجود در شبکه‌های اجتماعی و فضای اینستاگرام صحبت به میان آمده و در همین ستون درخصوص این جریان‌ها صحبت کرده‌ایم؛ اما کمپین و یا همان «پویش بلاگرهای جهانی در حمایت از ایران» و بیسان حقایق جنایات رژیم صهیونیستی، دارای این پیام است که فعالیت معترض به کشتار مردم غزه و جنایات رژیم صهیونیستی را نیزه‌های نیابتی ایران معرفی می‌کنند و ابراز می‌دارند که این دانشجویها تحت تلیفات ایران دست به این اعتراضات زده اند؛ اعتراضاتی که حتی پای پلیس فدرال آمریکا و تک ایتراندارها را نیز به روی پشت‌بام دانشگاه‌های آمریکا با همه ابعاد موجود خود رسدیم به‌وجود آمده است. اکثریت دانشجویی بسیار گسترده‌ای را در قریب به اکثریت دانشگاه‌های آمریکا (بیش از شصت دانشگاه) شاهد بودیم. دانشگاه‌های معروف ایالت‌های مختلف آمریکا در چند روز بعد از عملیات وعده صادق جهانی از انعکاس آینه‌وار حقیقت را بی‌اندازند و یا او را با اسان به آینده امیدوار می‌شود.

میلیاردی بابتش گرفته بود. اما سینماگران نه برای یادآردت حمید فرخ‌ نژاد موضع گرفتند و نه برای زدنی از بیت‌المسال این همکار خود. روزی که ۸۰ میلیون ایرانی را فدای خم ابروی پسرش کرد و باعث ناراحتی مردم شد نیز صدای از هجج کدام از این افراد در نیامد در مقابل رفتارهای خیات‌آمیز برزوراجمدنی که در تظاهرات ضدایرانی آمریکا شرکت کرد و علیه ایران سخن گفت نیز سکوت کردند. این ماجرا زمانی خنده دارتر می‌شود که به جای محکومیت این افراد، برخی سینماگران پاره‌ها از آن‌ها حمایت هم کرده‌اند. الغرض درد این جماعت آبرویشان نیست چرا که پیش از این، ابروی آنها توسط همکاران خودشان به کرات ریخته شده است.

میلیاردی بابتش گرفته بود. اما سینماگران نه برای یادآردت حمید فرخ‌ نژاد موضع گرفتند و نه برای زدنی از بیت‌المسال این همکار خود. روزی که ۸۰ میلیون ایرانی را فدای خم ابروی پسرش کرد و باعث ناراحتی مردم شد نیز صدای از هجج کدام از این افراد در نیامد در مقابل رفتارهای خیات‌آمیز برزوراجمدنی که در تظاهرات ضدایرانی آمریکا شرکت کرد و علیه ایران سخن گفت نیز سکوت کردند. این ماجرا زمانی خنده دارتر می‌شود که به جای محکومیت این افراد، برخی سینماگران پاره‌ها از آن‌ها حمایت هم کرده‌اند. الغرض درد این جماعت آبرویشان نیست چرا که پیش از این، ابروی آنها توسط همکاران خودشان به کرات ریخته شده است.

میلیاردی بابتش گرفته بود. اما سینماگران نه برای یادآردت حمید فرخ‌ نژاد موضع گرفتند و نه برای زدنی از بیت‌المسال این همکار خود. روزی که ۸۰ میلیون ایرانی را فدای خم ابروی پسرش کرد و باعث ناراحتی مردم شد نیز صدای از هجج کدام از این افراد در نیامد در مقابل رفتارهای خیات‌آمیز برزوراجمدنی که در تظاهرات ضدایرانی آمریکا شرکت کرد و علیه ایران سخن گفت نیز سکوت کردند. این ماجرا زمانی خنده دارتر می‌شود که به جای محکومیت این افراد، برخی سینماگران پاره‌ها از آن‌ها حمایت هم کرده‌اند. الغرض درد این جماعت آبرویشان نیست چرا که پیش از این، ابروی آنها توسط همکاران خودشان به کرات ریخته شده است.

میلیاردی بابتش گرفته بود. اما سینماگران نه برای یادآردت حمید فرخ‌ نژاد موضع گرفتند و نه برای زدنی از بیت‌المسال این همکار خود. روزی که ۸۰ میلیون ایرانی را فدای خم ابروی پسرش کرد و باعث ناراحتی مردم شد نیز صدای از هجج کدام از این افراد در نیامد در مقابل رفتارهای خیات‌آمیز برزوراجمدنی که در تظاهرات ضدایرانی آمریکا شرکت کرد و علیه ایران سخن گفت نیز سکوت کردند. این ماجرا زمانی خنده دارتر می‌شود که به جای محکومیت این افراد، برخی سینماگران پاره‌ها از آن‌ها حمایت هم کرده‌اند. الغرض درد این جماعت آبرویشان نیست چرا که پیش از این، ابروی آنها توسط همکاران خودشان به کرات ریخته شده است.

میلیاردی بابتش گرفته بود. اما سینماگران نه برای یادآردت حمید فرخ‌ نژاد موضع گرفتند و نه برای زدنی از بیت‌المسال این همکار خود. روزی که ۸۰ میلیون ایرانی را فدای خم ابروی پسرش کرد و باعث ناراحتی مردم شد نیز صدای از هجج کدام از این افراد در نیامد در مقابل رفتارهای خیات‌آمیز برزوراجمدنی که در تظاهرات ضدایرانی آمریکا شرکت کرد و علیه ایران سخن گفت نیز سکوت کردند. این ماجرا زمانی خنده دارتر می‌شود که به جای محکومیت این افراد، برخی سینماگران پاره‌ها از آن‌ها حمایت هم کرده‌اند. الغرض درد این جماعت آبرویشان نیست چرا که پیش از این، ابروی آنها توسط همکاران خودشان به کرات ریخته شده است.

میلیاردی بابتش گرفته بود. اما سینماگران نه برای یادآردت حمید فرخ‌ نژاد موضع گرفتند و نه برای زدنی از بیت‌المسال این همکار خود. روزی که ۸۰ میلیون ایرانی را فدای خم ابروی پسرش کرد و باعث ناراحتی مردم شد نیز صدای از هجج کدام از این افراد در نیامد در مقابل رفتارهای خیات‌آمیز برزوراجمدنی که در تظاهرات ضدایرانی آمریکا شرکت کرد و علیه ایران سخن گفت نیز سکوت کردند. این ماجرا زمانی خنده دارتر می‌شود که به جای محکومیت این افراد، برخی سینماگران پاره‌ها از آن‌ها حمایت هم کرده‌اند. الغرض درد این جماعت آبرویشان نیست چرا که پیش از این، ابروی آنها توسط همکاران خودشان به کرات ریخته شده است.

میلیاردی بابتش گرفته بود. اما سینماگران نه برای یادآردت حمید فرخ‌ نژاد موضع گرفتند و نه برای زدنی از بیت‌المسال این همکار خود. روزی که ۸۰ میلیون ایرانی را فدای خم ابروی پسرش کرد و باعث ناراحتی مردم شد نیز صدای از هجج کدام از این افراد در نیامد در مقابل رفتارهای خیات‌آمیز برزوراجمدنی که در تظاهرات ضدایرانی آمریکا شرکت کرد و علیه ایران سخن گفت نیز سکوت کردند. این ماجرا زمانی خنده دارتر می‌شود که به جای محکومیت این افراد، برخی سینماگران پاره‌ها از آن‌ها حمایت هم کرده‌اند. الغرض درد این جماعت آبرویشان نیست چرا که پیش از این، ابروی آنها توسط همکاران خودشان به کرات ریخته شده است.

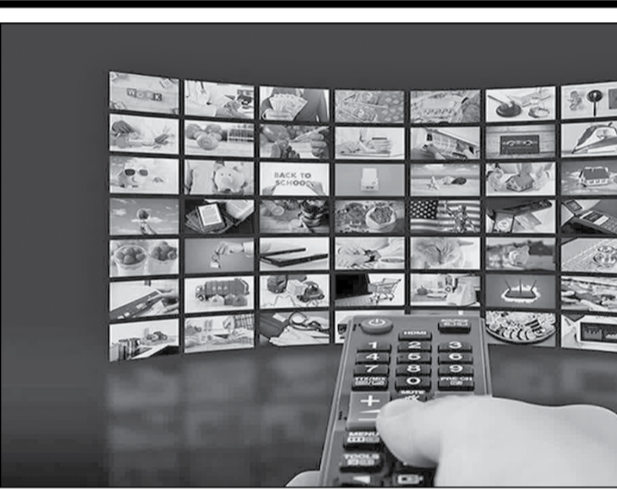


میلیاردی بابتش گرفته بود. اما سینماگران نه برای یادآردت حمید فرخ‌ نژاد موضع گرفتند و نه برای زدنی از بیت‌المسال این همکار خود. روزی که ۸۰ میلیون ایرانی را فدای خم ابروی پسرش کرد و باعث ناراحتی مردم شد نیز صدای از هجج کدام از این افراد در نیامد در مقابل رفتارهای خیات‌آمیز برزوراجمدنی که در تظاهرات ضدایرانی آمریکا شرکت کرد و علیه ایران سخن گفت نیز سکوت کردند. این ماجرا زمانی خنده دارتر می‌شود که به جای محکومیت این افراد، برخی سینماگران پاره‌ها از آن‌ها حمایت هم کرده‌اند. الغرض درد این جماعت آبرویشان نیست چرا که پیش از این، ابروی آنها توسط همکاران خودشان به کرات ریخته شده است.

میلیاردی بابتش گرفته بود. اما سینماگران نه برای یادآردت حمید فرخ‌ نژاد موضع گرفتند و نه برای زدنی از بیت‌المسال این همکار خود. روزی که ۸۰ میلیون ایرانی را فدای خم ابروی پسرش کرد و باعث ناراحتی مردم شد نیز صدای از هجج کدام از این افراد در نیامد در مقابل رفتارهای خیات‌آمیز برزوراجمدنی که در تظاهرات ضدایرانی آمریکا شرکت کرد و علیه ایران سخن گفت نیز سکوت کردند. این ماجرا زمانی خنده دارتر می‌شود که به جای محکومیت این افراد، برخی سینماگران پاره‌ها از آن‌ها حمایت هم کرده‌اند. الغرض درد این جماعت آبرویشان نیست چرا که پیش از این، ابروی آنها توسط همکاران خودشان به کرات ریخته شده است.

میلیاردی بابتش گرفته بود. اما سینماگران نه برای یادآردت حمید فرخ‌ نژاد موضع گرفتند و نه برای زدنی از بیت‌المسال این همکار خود. روزی که ۸۰ میلیون ایرانی را فدای خم ابروی پسرش کرد و باعث ناراحتی مردم شد نیز صدای از هجج کدام از این افراد در نیامد در مقابل رفتارهای خیات‌آمیز برزوراجمدنی که در تظاهرات ضدایرانی آمریکا شرکت کرد و علیه ایران سخن گفت نیز سکوت کردند. این ماجرا زمانی خنده دارتر می‌شود که به جای محکومیت این افراد، برخی سینماگران پاره‌ها از آن‌ها حمایت هم کرده‌اند. الغرض درد این جماعت آبرویشان نیست چرا که پیش از این، ابروی آنها توسط همکاران خودشان به کرات ریخته شده است.

میلیاردی بابتش گرفته بود. اما سینماگران نه برای یادآردت حمید فرخ‌ نژاد موضع گرفتند و نه برای زدنی از بیت‌المسال این همکار خود. روزی که ۸۰ میلیون ایرانی را فدای خم ابروی پسرش کرد و باعث ناراحتی مردم شد نیز صدای از هجج کدام از این افراد در نیامد در مقابل رفتارهای خیات‌آمیز برزوراجمدنی که در تظاهرات ضدایرانی آمریکا شرکت کرد و علیه ایران سخن گفت نیز سکوت کردند. این ماجرا زمانی خنده دارتر می‌شود که به جای محکومیت این افراد، برخی سینماگران پاره‌ها از آن‌ها حمایت هم کرده‌اند. الغرض درد این جماعت آبرویشان نیست چرا که پیش از این، ابروی آنها توسط همکاران خودشان به کرات ریخته شده است.



میلیاردی بابتش گرفته بود. اما سینماگران نه برای یادآردت حمید فرخ‌ نژاد موضع گرفتند و نه برای زدنی از بیت‌المسال این همکار خود. روزی که ۸۰ میلیون ایرانی را فدای خم ابروی پسرش کرد و باعث ناراحتی مردم شد نیز صدای از هجج کدام از این افراد در نیامد در مقابل رفتارهای خیات‌آمیز برزوراجمدنی که در تظاهرات ضدایرانی آمریکا شرکت کرد و علیه ایران سخن گفت نیز سکوت کردند. این ماجرا زمانی خنده دارتر می‌شود که به جای محکومیت این افراد، برخی سینماگران پاره‌ها از آن‌ها حمایت هم کرده‌اند. الغرض درد این جماعت آبرویشان نیست چرا که پیش از این، ابروی آنها توسط همکاران خودشان به کرات ریخته شده است.

میلیاردی بابتش گرفته بود. اما سینماگران نه برای یادآردت حمید فرخ‌ نژاد موضع گرفتند و نه برای زدنی از بیت‌المسال این همکار خود. روزی که ۸۰ میلیون ایرانی را فدای خم ابروی پسرش کرد و باعث ناراحتی مردم شد نیز صدای از هجج کدام از این افراد در نیامد در مقابل رفتارهای خیات‌آمیز برزوراجمدنی که در تظاهرات ضدایرانی آمریکا شرکت کرد و علیه ایران سخن گفت نیز سکوت کردند. این ماجرا زمانی خنده دارتر می‌شود که به جای محکومیت این افراد، برخی سینماگران پاره‌ها از آن‌ها حمایت هم کرده‌اند. الغرض درد این جماعت آبرویشان نیست چرا که پیش از این، ابروی آنها توسط همکاران خودشان به کرات ریخته شده است.

میلیاردی بابتش گرفته بود. اما سینماگران نه برای یادآردت حمید فرخ‌ نژاد موضع گرفتند و نه برای زدنی از بیت‌المسال این همکار خود. روزی که ۸۰ میلیون ایرانی را فدای خم ابروی پسرش کرد و باعث ناراحتی مردم شد نیز صدای از هجج کدام از این افراد در نیامد در مقابل رفتارهای خیات‌آمیز برزوراجمدنی که در تظاهرات ضدایرانی آمریکا شرکت کرد و علیه ایران سخن گفت نیز سکوت کردند. این ماجرا زمانی خنده دارتر می‌شود که به جای محکومیت این افراد، برخی سینماگران پاره‌ها از آن‌ها حمایت هم کرده‌اند. الغرض درد این جماعت آبرویشان نیست چرا که پیش از این، ابروی آنها توسط همکاران خودشان به کرات ریخته شده است.

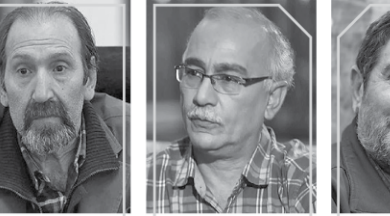
میلیاردی بابتش گرفته بود. اما سینماگران نه برای یادآردت حمید فرخ‌ نژاد موضع گرفتند و نه برای زدنی از بیت‌المسال این همکار خود. روزی که ۸۰ میلیون ایرانی را فدای خم ابروی پسرش کرد و باعث ناراحتی مردم شد نیز صدای از هجج کدام از این افراد در نیامد در مقابل رفتارهای خیات‌آمیز برزوراجمدنی که در تظاهرات ضدایرانی آمریکا شرکت کرد و علیه ایران سخن گفت نیز سکوت کردند. این ماجرا زمانی خنده دارتر می‌شود که به جای محکومیت این افراد، برخی سینماگران پاره‌ها از آن‌ها حمایت هم کرده‌اند. الغرض درد این جماعت آبرویشان نیست چرا که پیش از این، ابروی آنها توسط همکاران خودشان به کرات ریخته شده است.

میلیاردی بابتش گرفته بود. اما سینماگران نه برای یادآردت حمید فرخ‌ نژاد موضع گرفتند و نه برای زدنی از بیت‌المسال این همکار خود. روزی که ۸۰ میلیون ایرانی را فدای خم ابروی پسرش کرد و باعث ناراحتی مردم شد نیز صدای از هجج کدام از این افراد در نیامد در مقابل رفتارهای خیات‌آمیز برزوراجمدنی که در تظاهرات ضدایرانی آمریکا شرکت کرد و علیه ایران سخن گفت نیز سکوت کردند. این ماجرا زمانی خنده دارتر می‌شود که به جای محکومیت این افراد، برخی سینماگران پاره‌ها از آن‌ها حمایت هم کرده‌اند. الغرض درد این جماعت آبرویشان نیست چرا که پیش از این، ابروی آنها توسط همکاران خودشان به کرات ریخته شده است.

میلیاردی بابتش گرفته بود. اما سینماگران نه برای یادآردت حمید فرخ‌ نژاد موضع گرفتند و نه برای زدنی از بیت‌المسال این همکار خود. روزی که ۸۰ میلیون ایرانی را فدای خم ابروی پسرش کرد و باعث ناراحتی مردم شد نیز صدای از هجج کدام از این افراد در نیامد در مقابل رفتارهای خیات‌آمیز برزوراجمدنی که در تظاهرات ضدایرانی آمریکا شرکت کرد و علیه ایران سخن گفت نیز سکوت کردند. این ماجرا زمانی خنده دارتر می‌شود که به جای محکومیت این افراد، برخی سینماگران پاره‌ها از آن‌ها حمایت هم کرده‌اند. الغرض درد این جماعت آبرویشان نیست چرا که پیش از این، ابروی آنها توسط همکاران خودشان به کرات ریخته شده است.

میلیاردی بابتش گرفته بود. اما سینماگران نه برای یادآردت حمید فرخ‌ نژاد موضع گرفتند و نه برای زدنی از بیت‌المسال این همکار خود. روزی که ۸۰ میلیون ایرانی را فدای خم ابروی پسرش کرد و باعث ناراحتی مردم شد نیز صدای از هجج کدام از این افراد در نیامد در مقابل رفتارهای خیات‌آمیز برزوراجمدنی که در تظاهرات ضدایرانی آمریکا شرکت کرد و علیه ایران سخن گفت نیز سکوت کردند. این ماجرا زمانی خنده دارتر می‌شود که به جای محکومیت این افراد، برخی سینماگران پاره‌ها از آن‌ها حمایت هم کرده‌اند. الغرض درد این جماعت آبرویشان نیست چرا که پیش از این، ابروی آنها توسط همکاران خودشان به کرات ریخته شده است.

میلیاردی بابتش گرفته بود. اما سینماگران نه برای یادآردت حمید فرخ‌ نژاد موضع گرفتند و نه برای زدنی از بیت‌المسال این همکار خود. روزی که ۸۰ میلیون ایرانی را فدای خم ابروی پسرش کرد و باعث ناراحتی مردم شد نیز صدای از هجج کدام از این افراد در نیامد در مقابل رفتارهای خیات‌آمیز برزوراجمدنی که در تظاهرات ضدایرانی آمریکا شرکت کرد و علیه ایران سخن گفت نیز سکوت کردند. این ماجرا زمانی خنده دارتر می‌شود که به جای محکومیت این افراد، برخی سینماگران پاره‌ها از آن‌ها حمایت هم کرده‌اند. الغرض درد این جماعت آبرویشان نیست چرا که پیش از این، ابروی آنها توسط همکاران خودشان به کرات ریخته شده است.



میلیاردی بابتش گرفته بود. اما سینماگران نه برای یادآردت حمید فرخ‌ نژاد موضع گرفتند و نه برای زدنی از بیت‌المسال این همکار خود. روزی که ۸۰ میلیون ایرانی را فدای خم ابروی پسرش کرد و باعث ناراحتی مردم شد نیز صدای از هجج کدام از این افراد در نیامد در مقابل رفتارهای خیات‌آمیز برزوراجمدنی که در تظاهرات ضدایرانی آمریکا شرکت کرد و علیه ایران سخن گفت نیز سکوت کردند. این ماجرا زمانی خنده دارتر می‌شود که به جای محکومیت این افراد، برخی سینماگران پاره‌ها از آن‌ها حمایت هم کرده‌اند. الغرض درد این جماعت آبرویشان نیست چرا که پیش از این، ابروی آنها توسط همکاران خودشان به کرات ریخته شده است.

میلیاردی بابتش گرفته بود. اما سینماگران نه برای یادآردت حمید فرخ‌ نژاد موضع گرفتند و نه برای زدنی از بیت‌المسال این همکار خود. روزی که ۸۰ میلیون ایرانی را فدای خم ابروی پسرش کرد و باعث ناراحتی مردم شد نیز صدای از هجج کدام از این افراد در نیامد در مقابل رفتارهای خیات‌آمیز برزوراجمدنی که در تظاهرات ضدایرانی آمریکا شرکت کرد و علیه ایران سخن گفت نیز سکوت کردند. این ماجرا زمانی خنده دارتر می‌شود که به جای محکومیت این افراد، برخی سینماگران پاره‌ها از آن‌ها حمایت هم کرده‌اند. الغرض درد این جماعت آبرویشان نیست چرا که پیش از این، ابروی آنها توسط همکاران خودشان به کرات ریخته شده است.

میلیاردی بابتش گرفته بود. اما سینماگران نه برای یادآردت حمید فرخ‌ نژاد موضع گرفتند و نه برای زدنی از بیت‌المسال این همکار خود. روزی که ۸۰ میلیون ایرانی را فدای خم ابروی پسرش کرد و باعث ناراحتی مردم شد نیز صدای از هجج کدام از این افراد در نیامد در مقابل رفتارهای خیات‌آمیز برزوراجمدنی که در تظاهرات ضدایرانی آمریکا شرکت کرد و علیه ایران سخن گفت نیز سکوت کردند. این ماجرا زمانی خنده دارتر می‌شود که به جای محکومیت این افراد، برخی سینماگران پاره‌ها از آن‌ها حمایت هم کرده‌اند. الغرض درد این جماعت آبرویشان نیست چرا که پیش از این، ابروی آنها توسط همکاران خودشان به کرات ریخته شده است.

میلیاردی بابتش گرفته بود. اما سینماگران نه برای یادآردت حمید فرخ‌ نژاد موضع گرفتند و نه برای زدنی از بیت‌المسال این همکار خود. روزی که ۸۰ میلیون ایرانی را فدای خم ابروی پسرش کرد و باعث ناراحتی مردم شد نیز صدای از هجج کدام از این افراد در نیامد در مقابل رفتارهای خیات‌آمیز برزوراجمدنی که در تظاهرات ضدایرانی آمریکا شرکت کرد و علیه ایران سخن گفت نیز سکوت کردند. این ماجرا زمانی خنده دارتر می‌شود که به جای محکومیت این افراد، برخی سینماگران پاره‌ها از آن‌ها حمایت هم کرده‌اند. الغرض درد این جماعت آبرویشان نیست چرا که پیش از این، ابروی آنها توسط همکاران خودشان به کرات ریخته شده است.

میلیاردی بابتش گرفته بود. اما سینماگران نه برای یادآردت حمید فرخ‌ نژاد موضع گرفتند و نه برای زدنی از بیت‌المسال این همکار خود. روزی که ۸۰ میلیون ایرانی را فدای خم ابروی پسرش کرد و باعث ناراحتی مردم شد نیز صدای از هجج کدام از این افراد در نیامد در مقابل رفتارهای خیات‌آمیز برزوراجمدنی که در تظاهرات ضدایرانی آمریکا شرکت کرد و علیه ایران سخن گفت نیز سکوت کردند. این ماجرا زمانی خنده دارتر می‌شود که به جای محکومیت این افراد، برخی سینماگران پاره‌ها از آن‌ها حمایت هم کرده‌اند. الغرض درد این جماعت آبرویشان نیست چرا که پیش از این، ابروی آنها توسط همکاران خودشان به کرات ریخته شده است.

میلیاردی بابتش گرفته بود. اما سینماگران نه برای یادآردت حمید فرخ‌ نژاد موضع گرفتند و نه برای زدنی از بیت‌المسال این همکار خود. روزی که ۸۰ میلیون ایرانی را فدای خم ابروی پسرش کرد و باعث ناراحتی مردم شد نیز صدای از هجج کدام از این افراد در نیامد در مقابل رفتارهای خیات‌آمیز برزوراجمدنی که در تظاهرات ضدایرانی آمریکا شرکت کرد و علیه ایران سخن گفت نیز سکوت کردند. این ماجرا زمانی خنده دارتر می‌شود که به جای محکومیت این افراد، برخی سینماگران پاره‌ها از آن‌ها حمایت هم کرده‌اند. الغرض درد این جماعت آبرویشان نیست چرا که پیش از این، ابروی آنها توسط همکاران خودشان به کرات ریخته شده است.

میلیاردی بابتش گرفته بود. اما سینماگران نه برای یادآردت حمید فرخ‌ نژاد موضع گرفتند و نه برای زدنی از بیت‌المسال این همکار خود. روزی که ۸۰ میلیون ایرانی را فدای خم ابروی پسرش کرد و باعث ناراحتی مردم شد نیز صدای از هجج کدام از این افراد در نیامد در مقابل رفتارهای خیات‌آمیز برزوراجمدنی که در تظاهرات ضدایرانی آمریکا شرکت کرد و علیه ایران سخن گفت نیز سکوت کردند. این ماجرا زمانی خنده دارتر می‌شود که به جای محکومیت این افراد، برخی سینماگران پاره‌ها از آن‌ها حمایت هم کرده‌اند. الغرض درد این جماعت آبرویشان نیست چرا که پیش از این، ابروی آنها توسط همکاران خودشان به کرات ریخته شده است.

میلیاردی بابتش گرفته بود. اما سینماگران نه برای یادآردت حمید فرخ‌ نژاد موضع گرفتند و نه برای زدنی از بیت‌المسال این همکار خود. روزی که ۸۰ میلیون ایرانی را فدای خم ابروی پسرش کرد و باعث ناراحتی مردم شد نیز صدای از هجج کدام از این افراد در نیامد در مقابل رفتارهای خیات‌آمیز برزوراجمدنی که در تظاهرات ضدایرانی آمریکا شرکت کرد و علیه ایران سخن گفت نیز سکوت کردند. این ماجرا زمانی خنده دارتر می‌شود که به جای محکومیت این افراد، برخی سینماگران پاره‌ها از آن‌ها حمایت هم کرده‌اند. الغرض درد این جماعت آبرویشان نیست چرا که پیش از این، ابروی آنها توسط همکاران خودشان به کرات ریخته شده است.

میلیاردی بابتش گرفته بود. اما سینماگران نه برای یادآردت حمید فرخ‌ نژاد موضع گرفتند و نه برای زدنی از بیت‌المسال این همکار خود. روزی که ۸۰ میلیون ایرانی را فدای خم ابروی پسرش کرد و باعث ناراحتی مردم شد نیز صدای از هجج کدام از این افراد در نیامد در مقابل رفتارهای خیات‌آمیز برزوراجمدنی که در تظاهرات ضدایرانی آمریکا شرکت کرد و علیه ایران سخن گفت نیز سکوت کردند. این ماجرا زمانی خنده دارتر می‌شود که به جای محکومیت این افراد، برخی سینماگران پاره‌ها از آن‌ها حمایت هم کرده‌اند. الغرض درد این جماعت آبرویشان نیست چرا که پیش از این، ابروی آنها توسط همکاران خودشان به کرات ریخته شده است.

میلیاردی بابتش گرفته بود. اما سینماگران نه برای یادآردت حمید فرخ‌ نژاد موضع گرفتند و نه برای زدنی از بیت‌المسال این همکار خود. روزی که ۸۰ میلیون ایرانی را فدای خم ابروی پسرش کرد و باعث ناراحتی مردم شد نیز صدای از هجج کدام از این افراد در نیامد در مقابل رفتارهای خیات‌آمیز برزوراجمدنی که در تظاهرات ضدایرانی آمریکا شرکت کرد و علیه ایران سخن گفت نیز سکوت کردند. این ماجرا زمانی خنده دارتر می‌شود که به جای محکومیت این افراد، برخی سینماگران پاره‌ها از آن‌ها حمایت هم کرده‌اند. الغرض درد این جماعت آبرویشان نیست چرا که پیش از این، ابروی آنها توسط همکاران خودشان به کرات ریخته شده است.